

چه کسی سیمپاشی میکند؟ ما یا روزنامه‌دهیزان؟

روزنامه‌های ایران، در شماره ۸ اردیبهشت ۶۰ خود حزب توده ایران را شتم کرده است که با دهه و ناسزاگویی و تمهت و افترا جو ستمی میکنند و با سرزنش غلیظ و شدید این به اصطلاح شیوه جو سازی، نیشهای اندرزگونه خود را تار ما میکنند که فراموشی مگر مدتی نماند که چون امریکا دشمن اصلی ملت و چون در حال جنگ با عراق هستیم، مسائل جنسی نباید طرح شود. مگر نه اینکه این جو سازیها به نفع امریکا تمام میشود؟

همیزان با تاکید بر رسوم و آداب طعنی و تمهت و افترا و ناسزاگویی و شتم کردن ما به برداشتن این جناب یا های و هوی فریبی مردم را به فضاوت نهانی میخواند و می نویسد:

همی مردم! بیاید چه کسانی در خط اجاب حرکت میکنند و چله صاف کنی نوزد یگانگان هستند!

گردانندگان همیزان در سرمقاله روزنامه چند واقعیت حساس را برای خوانندگان خود روشن می کنند:

- ۱- ناسزاگویی و تمهت و حمله و افترا در شرایط خطری و بحرانی کنونی به جو سازی کمک میکند
 - ۲- ناسزاگویی و تمهت و حمله و افترا در شرایط خطری و بحرانی کنونی به جو سازی مسئله اصلی راه که توجه همجانبی به امر انقلاب و مصلحت جنگ است، تحتالشعاع نتایج جانبی و فرعی قرار میدهد.
 - ۳- ناسزاگویی و افترا و حمله و جو سازی در نهایت در خط اجاب حرکت کردن و مجاهد صاف کنی نوزد یگانگان بودن است.
- از قدیم گفته اند: «بهرترین صاف کن سداقت» کردار است. بیستیم گردانندگان همیزان با این محله، تا چه اندازه در اعدای خویش روستنی از آب درمی آیند؟

فقط نیم نگاه می بینیم مقاله «آزادی میزان و شهباشی» مورخ ۸ اردیبهشت ماه ۶۰، به پرستی و آزمون ما جواب قانع کننده و سرخ را میدهد. کلمات و ابزاری که سرمقاله نویس «همیزان» برای تنظیم و محکوم کردن حزب توده ایران بکار گرفته، از این قبیل است: «توده نترس» «مردمکسیست» «امریکای» «دوگانه» «مجاهد صاف کن یگانگان» «نامه مردم ارگان حزب غیروا!» «توده» «گوندگان» «ایلی» «نعل وارو» «زندگانه» «کسانیکه در خط اجاب حرکت میکنند» ... بر همین زوال خود حق حدیث متصل بخوان از این جمله.

لایه در فرحک گردانندگان همیزان این کلمات نقل و نبات است. این «افترا» «ناسزاگویی»، «حمله»، «تمهت» «بهریوجه» «مفهوم» «جو سازی» «نقد» «این شیوه» «مردمکسیست» «نست» «مسائل جنسی» «را بر سرشته» «نیکنند» «خلرات» و «موضوعات» «اصلی» «را در کرد» «غیر صحتی» «هیجانات» و «جنگلهای بیوقوف» «پنهان» «نیسازد» «اگر جن این باشد» «می کند» «کلمات» «منی» «خود» «را» «بدهند» «فضی» «فرض» «پاشند» «تاک» و «بجای» «کتاب» و «مسموم» «کردن» «فضای» «سیاسی» «جامه» «و اما» «آب» «و جارو» «کردن» «راه» «دشمن» «مکار» «منی» «بدهند» «در آن» «صورت» «نقل» «نبات» «گردانندگان» «همیزان» «بر سر» «روی» «چه» «کسی» «خواهد» «پایند» «طلب» «نامه مردم» «که» «سرمقاله نویس» «میزان» «از» «نقد» «ساختاری» «برای» «شلیک» «بیرون» «ترین» «مضمون» و «تمهت» و «افترا» «مستحکمان» «در» «سر» «خود» «حتی» «یک» «مبارت» «دور» «از» «آب» و «مناقت» «ندارد» «ایمن» «مطلب» «پاشی» «است» «به» «پرستی» «یکی» «از» «خوانندگان» «نامه مردم» «درباره» «انگیزه» «و آثار» «توقیف» «موتی» «روزنامه» «همیزان» «رقیب» «نور» «این» «گیاور» «دیر» «اول» «کسیه» «مرکزی» «حزب توده» «ایران» «در» «پای» «پای» «پرستی» «همیزان» «را» «سختگویی» «سرمایه داری» «لیرال» «ایران» «توصیف» «کرده» «و گفته است:

فترا و محافل مولر و لیروندی در جامعه به ویژه از طرف سرمایه داری لیرال، از طرف بازار، برای جلوگیری از تقیب این روزنامه و مدیر آن به حرکت درآمده (نامه مردم ۳۰ اردیبهشت ۶۰) ظاهرا این واقعیت به مذاق گردانندگان همیزان خوش نیامده و آنها را از کوره پدید آمده است. آخر همیزان خود را زبان حال ستیدگان و محرومان و داغ دزدان میدانند! همیزان مقتضات: «فرازی» «دهات» «ارذیل» «یا» «کشتان» «یا» «اراک» «یا» «ارو» «...» «مردمکسیست» «مداصن» «و منخلان» «از» «هسته» «(میزان)» «سرمقاله» «۱۰» «اردیبهشت» «ماه» «۶۰» «همیزان» «بر» «آشته» «است» «که» «چرا» «ما» «از» «فران» «گویی» «پروگوتی» «لیرال» «و سرمایه داری» «پروگوتی» «و» «تجار» «بازار» «خوانند» «ما» «همیزان» «به» «ما» «میتازد» «که»:

«فراخ» «چنین» «دروغ» «پروگوتی» «فقط» «از» «دربری» «حزب» «توده» «امکان» «پذیر» «است»

و استلال میکند:

«ماست» «که» «کسانی» «علیه» «همیزان» «اعلام» «جرم» «کردند» «مگر» «نه» «اینکه» «توقیف» «میزان» «طبق» «اظهارات» «متممات» «رسمی» «قبل» «از» «هر» «چیز» «باید» «شکایت» «برخی» «از» «بازواریان» «از» «میزان» «بوده» «است».

ما داور» «درباره» «این» «مداری» «را» «به» «خوانندگان» «نکته» «سخت» «خود» «و اینکنداری» «اگر» «واقعا» «فرازی» «دهات» «ارذیل» «یا» «کشتان» «یا» «اراک» «یا» «ارو» «...» «مردمکسیست» «مداصن» «بر» «فراخ» «و منخلان» «همیزان» «یابند» «صداقت» «این» «گزارش» «که» «همیزان» «زبان» «سرمایه داری» «لیرال» «و» «چلو» «گاه» «خوشتی» «و اقبای» «سرمایه داری» «بزرگ» «بازار» «است» «فراخ» «و» «دروغ» «ز» «دربری» «حزب» «توده» «ایران» «است» «اما» «آن» «خواست» «همیزانی» «به» «مان» «اندازه» «دروغ» «است» «که» «سخت» «دروغ» «در» «این» «باره» «به» «حزب» «توده» «ایران» «حقیقی» «است» «ما» «از» «گردانندگان» «همیزان» «میخواهیم» «که» «در» «تمامی» «سخنهای» «روزنامه» «خود» «از» «بدو» «انتشار» «تا» «کنون» «۴» «میزان» «و» «مقاله» «یا» «گزارش» «...» «یله» «فقط» «تیار» «نموده» «به» «آن» «تشان» «پدیده» «که» «بطور» «متخصص» «نیازها» «و» «خواستها» «و» «مسائل» «اساسی» «فرازی» «دهات» «ارذیل» «و» «کشتان» «و» «اراک» «و» «ارو» «...» «را» «نمکن» «کرده» «باشند» «می بینید» «که» «نه» «انتظار» «دور» «از» «اصنافی» «است» «نه» «کاری» «شاق» «و» «مجال» «که» «به» «آزمون» «در» «نهایت» «بهرامید» «این» «گویی» «و» «این» «پندار» «اگر» «چدی»

یک یاد آوری...

پایه از صفحه ۱

و اینکه تنها نمانده حزب توده ایران در بی صورت فرماندار این شورشگر گروههای هورگروه برای منظره و گفتگو، در فرمانداری حاضر شده است.

حزب توده ایران بدینوسیله هرگونه شرکت و درگیری خود را در حوادث و ناآرامیهای قاپشهر - و نه فقط قاپشهر - بلکه در هرگونه تشنج و درگیری در هر نقطه کشور، جدا کنده می کند. بیشک لازم به تاکید

هستید اگر نمیخواهید که با آقسون و سفسله و پندبازی با کلمات خاک در چشم حقیقت یابنده این دعوت را لیک بگویید. اما اگر واقعا و نه بر سبیل تبلیغات، در جهت ترویج خطایان خود هستید، اگر بزرگ قلات و تحلیل های تار ما میجوئید ما در این زمینه به شما کمک کوچکی خواهیم کرد. میتوان نمونه به کتار نخست ساعت شش و نیم روز ششم اردیبهشت ماه رادیو صدای آزاده مراجعه کنید. ببینید با چه علاه های به غیر توقیف و آزادی شما پرداخته است. همچنانکه رادیوهای همالکی آن و به ویژه بی بی سی و رادیو و بغداد بارها با نقل قول از مطالب روزنامه شما، کتار خود را به اصطلاح مستند کرده اند. گردانندگان همیزان میگویند دعوی بیوند ماهوی و الفت محکم همیزان با سرمایه داری لیرال بقدر «فراخ» حزب توده ایران است و در رد این اتهام اقامه دلیل میکنند که: بازاریها یکبار علیه همیزان اعلام جرم کرده اند. همیزان با اسلوب و ویژه لیرالها، با طرح کلی و کتک شده و به خطبه است میریزد. گردانندگان همیزان در پشت این شیوه اغراض مختلفی را پنهان کرده اند:

- ۱- میخوانند و نامود کنند که بازار اوقیتی یکپارچه است و ما تمامی این مجموعه یکپارچه را، منکر سرمایه داری لیرال میباشیم.
- ۲- میخوانند مایهت مخالفت بیخ انتقالی بازار را با خود و غارت بیرونی و سوسامته بازار گانان لیرال و تجار وابسته بازار، با مخدوش کردن مرزهای طبقاتی و سیاسی در بازار، لوت کنند.
- ۳- میخوانند مجموعه بازار را - حتی بیخ انتقالی یا بیخی را که حداقل بیخری نیکخواهانه در قبال انقلاب دارد، علیه ما تحریک کنند و آنها روپوش کنند که گویا این حزب توده ایران است که بر پیشانی این حزب لیرال میزند و لیرال را در روز و روزگار سلطت ما کتر از یک دشمن سیاسی نیست.

ما هزاره به واقعیت مرز بندی و اختلاف اصولی در بازار - چنانچه تمامی عرصه های جامعه پرآمده از انقلاب مستند بوده و هستیم. این مرزها، بازار گانان وابسته و تجار و سرمایه داران لیرال را در یک سببه و بازار گانان کوچک و متوسط را به سه همراه تولید کنندگان پیشورد، در سببه مقابل آنها، در میان صفوف تیره های انقلاب قرار میدهد. از این دیدگاه، که بیخی بر واقعیت منی است، مخالفت با همیزان و اعلام جرم علیه آن از سوی بیخی بازار مفوم می یابد. همچنانکه موافقت چنانچه و حمایت بیدریغ تجار لیرال و سخاوت آنها در پیشگاه همیزان قابل درک میشود.

همیزان در بهرین مرزها، نه تنها در بازار، در تمامی عرصه های حیات سیاسی و اجتماعی، ذینفع است. زیرا حقیقت هرچه بیشتر در ایام و سبب بمانند، متنوع و مخدوش شود، بهتر میتوان از آن مستسک و مستانزار ساخت. کاری که لیرالها بدون آن خدایشان بزدنگ و خاستی خواهد شد.

همیزان خود را طرفدار آزادی و مجاهد سرخست حراست از فضای باز سیاسی معرفی میکند. همیزان مایهت و تمام اهداف انقلاب را در گرو «آزادی» قلمداد میکند و از آزادی مفوم رنگبریده، باریک، سطحی و فریب داری را می طلبد که تنها منافع لیرالها از آن بهره مند می شود. از یکی لیبرالیستی، مورد مخالفت تیره های و اما انتقالی نیست. اما تیره های انتقالی آزادی سیاسی و آزادی طبقاتی را هم مانند تمامی پدیده ها و روندهای اجتماعی، دارای مضمون طبقاتی میدانند. هر آنچه میسود انقلاب است و تا آنجا که با انقلاب است، ضروری است هرگز بهتر که شورش را کم کنند. آن آزادی که بخواهد مسالمت و مسخلف را زیر پر و بالش بگیرد، آزادی نیست، فریب است. اما لیرالها که این مرز بندی را در ذهن میریزند، بنام آزادی آنرا محدود می کنند، بنام دفاع از آزادی طبقاتی، فقط مطبوعات را که حایق نقل و یازش منافع و مقاصد آنهاست، به رسمیت می شناسند. گردانندگان همیزان و پاران لیرال آنها توقیف چند روزه روزنامه خود را مرگ آزادی و بزرگترین بلیه و محبت اجتماعی قلمداد میکنند. اما همین دلخوشان آزادی که در بار توقیف «نامه مردم» را با سکت تاید امین بدیده می کنند، در برابر منجم و اشغال بیخی مراکز و دفاتر حزب توده ایران - که پس از بیخی از ۹ ماه خوز هم ادامه دارد چشمه بند بندگی رضایت خود را در این بابنهان نمی کنند. آزادی «نامه مردم» که آزادی نیست! مخالفت یا اشغال و تجاویز به دفاتر و مراکز حزب مخالف سرمایه داری لیرال چه ربطی به آزادیخواهان دارد! چه بهتر که سر این مزاحمتاقترا زیر آب بمانند.

اما وقتی پای همیزان ب میان می آید، این میزها فرو میریزد و دکله آزادی منی دیگری می یابد. گردانندگان همیزان که ما را ملامت می کنند که در مدت توقیف میزان کلاما ساکت بودهایم و این گناهی ناخوشی و اساله ادب به ذات مقصد «آزادی» است، و همین جاست که لیرالها واقعیت مفوم طبقاتی آزادی را با معانیات می رسانند. سرمقاله نویس همیزان در این حال که از سکوت ما در قبال توقیف همیزان ناراضی است، به ما می تازد که: «نامه مردم ارگان حزب غیروا!» توده ایران در تمام مدتی که میزان توقیف بوده، از خوشحالی سر را ز نمی شناختند.

تنبیان، یکی از عوارض متعدد واقعیت گریزی است. اگر ما در تمام مدت توقیف همیزان ساکت بودهایم، شما از کیا به خوشحالی؟ ما می بردایند؟ و اگر از خوشحالی سر از پای نمی شناختیم و لایذ این خوشحالی شدید را بمنحوی اریز کرده ایم، در آن صورت این حرف دیگر چه منی میدهد که ما در تمام مدت توقیف همیزان سکوت کرده بودیم؟

آیا این شیوه تاقش گویی خود معیار معتبری برای سنجیدن دیگر مداری شما نیست؟

یک آتشبار ...

پایه از صفحه ۱

نیروهای ارتش و سپاه پاسداران و پشتیبانی هوایی و دریایی و هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، تا ساعت ۱۴ هان روز، تعداد ۱۵۰ تن از افراد ارتش عراق اسیر و ۱۲۰ تن کشته و ۹۰ تن زخمی شدند. در این عملیات، یک تانکه دو کانتیو، یک دستگاه تانک، دو دستگاه خودرو و درایان مهمات دشمن نیز منهدم شد.

بر اساس این گزارش، یک فروند جنگنده ایرانی در روز ۶

لئونید بر ژف دخالت امپریالیستها را در امور داخلی دیگران، محکوم کرد

دوران اتحاد شوروی و لئونی بر ژف در روز ۸ اردیبهشت ۶۰ گفتگوهایی خود را در مسکو ادامه دادند. آنها در روز دوشنبه ۹ اردیبهشت، مذاکرات خود را دربره مناسبت میان دو کشور و مسائل بین المللی آغاز کرده بودند. در این زمینه، همچنین درباره اوضاع خوزی و آزادی و آزادی بیخ از شد هم قائل اینک از انقلاب شوروی و دیگری در سوسیالیستی قوت می بینند.

دورق یادآور شده اند که: «باتوجه به سیاست گسترش» «تلاشه و تمیز کار امپریالیستها» لازم است که همه لیبرالهای ترقی و آزادی بیخ را در جهان گرد هم آورد و همکاری متخاصم بین دولت کشورهای غربی را با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی قوت می بینند.

بر ژف و قاتلی گفته مشترک آمریکا - اسرائیل را دربره استقرار نیروهای آمریکایی در شبه جزیره سینا مورد انتقاد قرار دادند و خواستار انقاص استعداد و نژادپرستی در آفریقا و انتقال حاکمیت در قلمروها به مردم آن سرزمین، بربره صوابه شدند. لئونی بر ژف، در سبب استی با نختار هم قائلی گفت: «هر چند اتحاد شوروی و لئونی بر ژف پارامی از مسائل اختلاف نظر دارند، در میدان مبارزه آزادی آزادی خلق و صلح پایدار هر زمانه»

بر ژف مدخله امپریالیسم را در امور داخلی دیگران محکوم کرد و گفت: «همپریالیستها از هر گونه شیوهی در این زمینه بهره می جویند» «و که در این گستره نمونه جاسوسان، دیپلماتهای آمریکا را در تیران خلطشان ساخت و

هر چه این مدعیان است که کتوز خود بزرگوارانه اول کتزه های لیروی قزایی ایالات متحده آمریکا همچنان به حضور خود در ایالتی هند و خلیج فارس ادامه میدهند» «زهر شوروی خواستار احترام به حاکمیت دیگر کشورها و حق شد، وی آمادگی امضای پروتزی را برای شرکت در کنفرنسی بین المللی درباره خاورمیانه یادآور گشت و گفت: «هر گونه راهحلی برای مسئله خاورمیانه باید حقوق امسراب فلسطین را ضمیم کند» «هم قائلی در سخنرانی خود باز اتحاد شوروی، به نظر قضیاتی دیگر از مبارزه اقرباب و حقوق کرد که این مبارزه به پیروزی خواهد انجامید» «قائلی خواستار قوت و وحدت اقرباب در دویرویی یا تسبیح آمریکا و اسرائیل و حقوق همکاری با اتحاد شوروی در زمینه های سیاسی، اجتماعی و غیره شد»

پیام سازمان جوانان توده ایران به کارگران وزحمتکشان جوان، بمناسبت اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران وزحمتکشان

کارگران و زحمتکشان گرامی! جوانان زحمتکش و انقلابی ایران! سازمان جوانان توده ایران، اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را صمیمانه بشما شادباش میگوید. این جشن خجسته و پرشکوهر کارگری - که یادآور سالها زرق زرق کارگران جهان است - در میان کارگران و زحمتکشان سراسر جهان، برای نبرد برامان علیه دیو یله سرمایه، امپریالیسم جهانی، ارجاع نبرد بین المللی، پرس کردگی آمریکا است. روز همبستگی کارگران وزحمتکشان همه کشورها در مبارزه و پیروزی صلح، عدالت و پیشرفت اجتماعی است.

در ایران، کارگران وزحمتکشان سراسر سوبین مبار در شرایط آزادی پس از پیروزی انقلاب به استقبال اول ماه مه میروند، و این در حالی است که ترقیبهای پسراندازی امپریالیسم آمریکا و عمل داخلی و خارجی آن، در کنار تلاشهای منبوسه سازتکاران برای به بندش تمام کشتیهای متوالی که اکنون تعیینان شده، همچنان ادامه دارد.

کارگران قهرمان ایران - از جمله کارگران جوان - که سنگین ترین مسئولیت را در پاسداری از انقلاب سوسیالیستی و مردمی ایران بر دوش دارند، در روز اول ماه مه روز پیروزی خود را با دیگر زحمتکشان، جوانان و مردم یکپارچه و قهرمان ایران مستحکم میکنند و برای دفاع از ستاروهای انقلاب در مقابل یورش تجاوززین صدامی و حامیان امپریالیستی و برای نبل به پیروزی سلمی و نهایی انقلابی شکوفایی جمهوری اسلامی ایران، دوشادوش یکدیگر می زنند.

کارگران جوان ایران، با آگاهی انقلابی، بازو در بازو و پندران و مادران زحمتکش خود را یکسو شمار افزایش تولید و پیروزی از برداختن با واحد های تولیدی و اقتض و طرد شد. انقلاب راست و همچنان از امراکر تولیدی و کارگاهها را می بیند. موجود - علیرغم تمام ناسانها و توقات بحق کارگری - در مقابل هرگونه تصمن، امتناعیو کم کاری در واحدهای تولیدی ایستادگی می کند، و از سوی دیگر برای سرکوب تجاوززین

هر چه این مدعیان است که کتوز خود بزرگوارانه اول کتزه های لیروی قزایی ایالات متحده آمریکا همچنان به حضور خود در ایالتی هند و خلیج فارس ادامه میدهند» «زهر شوروی خواستار احترام به حاکمیت دیگر کشورها و حق شد، وی آمادگی امضای پروتزی را برای شرکت در کنفرنسی بین المللی درباره خاورمیانه یادآور گشت و گفت: «هر گونه راهحلی برای مسئله خاورمیانه باید حقوق امسراب فلسطین را ضمیم کند» «هم قائلی در سخنرانی خود باز اتحاد شوروی، به نظر قضیاتی دیگر از مبارزه اقرباب و حقوق کرد که این مبارزه به پیروزی خواهد انجامید» «قائلی خواستار قوت و وحدت اقرباب در دویرویی یا تسبیح آمریکا و اسرائیل و حقوق همکاری با اتحاد شوروی در زمینه های سیاسی، اجتماعی و غیره شد»

آزمون را با یکان و امکانات لازم بسیاری از جمله تضمین و بر خوراری از آموزش های فنی حرفه ای برای همه کارگران جوان تأمین گردد.

★ جلوی گرامی روز اتون و ملاحظه فرمائید که در مطالب لازم بین دستورها و حقوق و هزینه زندگی کارگران و زحمتکشان برقرار گردد و تعاریفهای کارگری گسترش یابد.

تحقق خواستهای قوه که از زمره مهم ترین اهداف انقلاب سوسیالیستی و مردمی ایران است، بدون تردید موجب قوت و تمکیم جنبه انقلاب در مقابل ضدانقلاب خواهد شد.

کارگران و زحمتکشان جوان ایران با چنین خواستهایی است که به استقبال اول ماه مه میروند و نیروی قهرمان خویش را برای خراست از انقلاب و تصحیح و گسترش ستاروهای آن به تلاش می گذارند.

سازمان جوانان توده ایران که قمتزهری حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، در راه دفاع از انقلاب و تأمین حقوق جوانان میروند، در آستانه روز اول ماه مه، یکبار دیگر میثاق خود را برای مبارزه برامان در راه استقلال آزادی و ترقی میبند و تأمین حقوق جوانان ایران تکرار می کند.

سازمان جوانان توده ایران دوده های گرم خود را به کارگران و زحمتکشان و جوانان انقلابی شوراهای هاکنگ واحدهای تولیدی بطور کامل و بدون خسته زبایت ابراز کرد.

★ قانون مترقی کار و تأمین اجتمالی، با نظارت و همکاری سازمانهای صنعتی و شورایی کارگران و زحمتکشان، تدوین گردد. ماده ۳۳ قانون کار دوره ملاحظه نمودن بدون فوت وقت و بطور کامل لوت شود.

★ قانون ۴۴ ساعت کار در هفته، در همجا و با پرداخت دستزد اجاری در برابر کار سازی، اجرا گردد.

★ از کار کردن کارکنان کتر از ۱۶ سال در همه جا - به ویژه در کارگاهها - جلوگیری بعمل آید و این نوزالان انقلابی بجای کار در کارگاه، برای تحصیل و شکوفایی استعدادهاشان روانه مدارس شوند.

★ شرایط کار دختران و نوزادان بهبود یابد و بیه یکاری، تأمین اجتمالی، بهداشت و ایمنی کار در همه واحدهای تولیدی برقرار شود.

انتخاب کارگران وزحمتکشان ایران، با زور پرتوان و ایجاد یک جامعه انقلابی ایران! سازمان جوانان توده ایران ۱۳۶۰/۲/۲۴

نوراندین کیانوری

برای پنج عنصر خط امام ارج فوق العاده قائل هستیم و با تمام قوا از آنها پشتیبانی می کنیم

(گفتگو با سردبیر «جوانان امروز» قسمت آخر)

در یک اقلیتی قرار داشتند، در یک دوره تاریخی دیگر نظریاتشان را اکثریت افراد بپذیرند و آنها در مقام رهبری قرار بگیرند. در جریان ده ساله اخیر دو بار تغییرات در رهبری پیدا شده است. در نتیجه همین بحث های داخلی حزبی، رفیق رادمنش دبیر اول حزب بود. در یک بحث هائی که در داخل حزب پیش آمد، شیوه کار او دیگر بر سر قرار گرفت. اکثریت کمیته مرکزی تصمیم گرفت که رفیق رادمنش دوباره نمی تواند آن مسئولیت را ادامه دهد. در دوره قبل از انقلاب با هم مسائل مربوط به انقلاب ایران و وظایفی که در مقابل حزب هست مورد بحث قرار گرفت در آنجا هم تقریباً به همین ترتیب که من را بعنوان دبیر اول حزب انتخاب کردند. من قبلاً هم دبیر دوم حزب بودم، یعنی مسئولیت سنگینی در حزب داشتم. مسئول کار در ایران بودم. بنابراین چیز وحشتناکی انجام نگرفته. یعنی در داخل حزب توده ایران انقلابی نشده است و در صورت تحولات طبیعی در حزب است. ما امروز میتوانیم ادعا کنیم که در داخل حزب ما امروز وحدت فکری و وحدت عمل بهترین وجه خودش در تمام تاریخ حزب ما رسیده است. یعنی هیچ وقت این چنین وحدت نظری در داخل حزب ما نبوده. دائم کامل پیدا کرده، دائم آشکار شده و به این مرحله رسیده است. موضع گیری افراد ما در جامعه، خودش نشان دهنده این است که این سیاستی که الان حزب ما دارد مورد تأیید تقریباً بلا شرط افراد حزب هست، قبولش دارند و ازش با تمام قوا پشتیبانی می کنند.

بعد از پلنوم چهارم هم صحبت سر این بود گفتگر می کند: «سوال: پیشش بود که حزب یک چنین ادعائی کرد ولی دوسال بعدش یک حرکتی برداشت خلاف این ادعا ولی من به این کاری ندارم شما گفتند که کمیته مرکزی انتخاب می کند. اعضای ساده حزب چگونه میتوانند در این کمیته نقش داشته باشند؟»

ج- ببینید اساساً هم حزب ما هست که کمیته مرکزی فقط رهبری سیاسی یعنی هیئت سیاسی را انتخاب می کند. یعنی آن هیئتی که رهبری روزمره کار حزب را دارد. برای اینکه اعضای کمیته مرکزی تعدادشان زیاد است و نمی توانند هر روز و هر هفته جلسه تشکیل بدهند و در یک مرکز هم بنشینند و تمام ایران بپخش هستند.

ب- این ترتیب آن کارش فقط انتخاب رهبری مرکزی یعنی دستگاهداره کننده جاری حزب هست. خود کمیته مرکزی از طرف اعضا در گنجره حزب انتخاب می شود. هیچگونه دخالتی رهبری حزب در انتخاب کمیته مرکزی حزب ندارد. اگر شرایط عادی بود، اگر کمیته توانستیم جلسه نگه دار و اقامت بدون اشکال تشکیل بدهیم و گروه های جفاکاران قهار را بشکنیم و به برزند و بکنیم پاسدارها بیایند و ما را تقویف بکنند همین فردا، همین یک ماه دیگر، بکنیم حزب را تشکیل می دادیم که افراد حزب بیایند و ما نظریاتمان را بگویند و خودشان همه افراد را انتخاب بکنند، هیچگونه امتناعی در این نمی بینیم. ولی خوب، شرایط سیاسی خاص می تواند تشکیل اکثریت را به عقب بیندازد. هم احزاب هم همین گرفتاری ها را دارند. حزب جمهوری اسلامی که حزب حاکم هست، هنوز گرفتاری های خودش را تشکیل نکرده. در حالی که همه جا حتی در جلین هم می تواند اکثریت را تشکیل بدهد و تمام سازمان ها ازش حفاظت بکنند و هیچ کس هم حرات نکند. این نگاه چپ بکنند. ولی هنوز گرفتاری ها

ب- ما ضعف مخالفین خودمان را در ضمن می بینیم که در انتخاب حزب ما در سال هزارد و صد و سی و یک می باشد.

ج- این اشکال ندادیم، برای تشکیل کنگره ها، هیچگونه اشکال سیاسی اصلاً نیست. فقط عبارت است از مسئله امنیت. اگر دولت کنگره ای تأمین بدهد که ما در یک جای کنگره مان را برپا کنیم و روزی تشکیل بدهیم، ما در عرض یک ماه کنگره مان را برای کامل برای افراد حزبی تشکیل می دهیم که خودشان به این نظرشان را بدهند و رهبری را خودشان انتخاب بکنند.

ب- سر آسوی از ما راهبرها را با یکدیگر انتخاب کنیم. گروه ها هم بمانند و بعد و چپیشی که یک جهت متحد خلق تشکیل بشود. البته این جهت متحد خلق من تقری کم در قبیل مسیحت هائی کمر توفیق با "تمت" کردیم و خط مشی سیاسی اجتماعی امام خمینی و وصیت فرمود کثیر تأخوری رویت شد ولی می خواستیم ببینیم از نظر حزب توده چه می شود. هائی مشخصاً در این جهت که معتقدیم من "تمت" از این جهت که امام تعیین می کند می توانستند قرار بگیرند و اینها چه میروای این قرار دارند؟ مشخصاً (البته)؟

ج- جهت جهت خلق از نظرم یک ترکیب طبقاتی دارد، یک ترکیب سیاسی، یعنی متحد یکبار از نظر طبقاتی گفت که جهت متحد خلق چیست و یکبار از نظر سیاسی. از لحاظ طبقاتی، جهت متحد خلق از نظرم، کلیه کارگران، دهقانان، پیشوران، بروشنگران، زمینکش، تمام اجتماعی توانستند جهت خلق قرار بگیرند و حتی از سرمایه دار کوچک، که حاضر باشد بر نامه معاندان اجتماعی و ارماعات بکنند، می تواند در جهت متحد خلق شرکت بکنند. ما معتقدیم سرمایه داری کوچک در صورتی که در چهارچوب عدالت اجتماعی، در چهارچوب سودبری عادلانه بکند، می تواند وجود خودش را ادامه دهد و یکدیگر در طولانی حتی در اقتصاد کشور بطور مثبت کار بکند. این از لحاظ طبقاتی، از لحاظ نیروهای که می توانستند شرکت بکنند، از لحاظ سیاسی ما این را در آن پیشنهاد جهت متحد خلق گفتیم که به نظر ما کلیه نیروهای که واقف در خط امام خمینی قرار دارند که ما با هم مستوی و از آنها کفایت هم این نیروها به اضافه نیروهای کدورا و سوسالیسم علمی قرار دارند و به همین اصول یعنی ما از هر چه سرمایه امپریالیسم آمریکا بپسندیم، نماند که فقط ادعای سوسالیسم علمی، نه آنها هم تقدر دروغ می گویند که سادات، کادعای اسلام می کند یا شاه کادعای اسلام می کرد، نه، نیروهای اصل هوادار سوسالیسم علمی و نیروهای اصل ملی، که این پنج اصل معتقد و ملت باشند. ما حتی برای این مسئله یک برنامه دقیق پیشنهاد کردیم.

ب- پیشنهاد کردیم، گفتیم که محتالین برنامه را بپذیرند. که در مسائل اقتصادی، چه سالی باید مطرح شود، مسائل آری، مسائل تجارت خارجی، مسائل سرمایه، تولید صنعتی، صنایع، پیشرفت اجتماعی، آموزش، فرهنگ، در هم آمیختن، مانع از آن باشد که در این جهت پیشنهاد برای تشکیل جهت متحد خلق کردیم. عوامل عدل این (جهت) در لحظه کنگره کنگره می باشد عبارتند از هم نیروهای اصل تودای، آنها که در یک جهت انحرافی قرار گرفته اند، بشوئی کمیسارت خودشان را تغییر بدهند. مثل ما هادی خلق - سرتکوری کوشی کمیسارت بگلی انحرافی است. ما برگردند. آنها خطی - توانستند در جهت متحد خلق شرکت کنند. نیروهای اصل هوادار خطی امام خمینی که سلسله پشتیبان این هیچ اصلی کما گفتیم، هستند می توانستند در این جهت شرکت بکنند. مسئله همین این جهت مسیحت ما می نیست. یعنی اینکه بگویند که حزب توده ادعای کند کمیسارت در این جهت می باشد. این سلسله نیست برنامه مشترک، عمل مشترک و نظر اکثریت در این جهت، قانون حاکم هست. من از آخرین قسمت صحبت شایع می رهبری شروع کنم، سوال اساسی، بدی اینست که شما مدعی هستید که هدفان ازین بردن امپریالیسم

تغیید در صفحه ۶

ج- ببینید اگر شما دنبال کرده بودید مطبوعات ما را (می دیدید که ما دوبار صریحاً، کتبا در روزنامه پیشنهاد کردیم به اعدا دستن کار که ایشان نماینده شان را بفرستند تمام دخل و خرج مالی ما را رسیدگی بکنند. هیچ حزبی به اعدا دستن کار چنین پیشنهادی را نکرده ما این پیشنهاد را کردیم. رسماً صحاح اول روزنامه هم گذاشتیم از این بالاتر کتبی می توانست باشد. تصویری که دیگران حتی افوا با حسن نیت از ما خارج نگذاشتند حزب توده ایران دارند، بگلی تصور غلطی است. اولاً نشریات حزب توده ایران سود میدهد، ضرر نمی دهد. ما با کتا بهائی کمترین می کنیم ما مردم ما خارج خودت را تا همین می کند.

ب- ممکن است بیوس مردم تیراوش جقدر است؟ ج- الان در حدود چهل هزار تاست. گاهی اوقات پنج ههزار، گاهی اوقات بیشتر ولی این خدمتوستاتی هست. نامه مردم صفحاتش خیلی کمتر از روزنامه های دیگر هست، فقط یک ورق روزنامه جمهوری اسلامی است آنها تازده صفحه، یعنی متفاوت دارند. مال ما یک ورقش بیشتر نیست، بعد هم ما پولش می باید. بعضی از روزنامه ها هست که شصت درصد آنچکه تحویل می دهند بر میگردد، شصت درصدش را گند سیاه میشود. ما مارش را هم داریم. دقیقاً می دانیم جقدر است. نامه مردم اینجوری نیست.

ب- ممکن است بیوس از کجا مارش را بدست آورده اید؟ ج- مرکز بخش به همه میدهد.

ب- بعضی سئوالها را که می کند سو، قهقهه شود، چون فرضاً شما به

۹۸ درصد فعالین حزب توده ایران بدو هیچگونه چشم داشتی برای حزب کاری کتبا دادستان چیزی گفتند. من خودم تایید می کنم. خودم دیده ام جقدر درست است ولی دلیل نمی شود که خواننده ما هم آزاد می باشد.

ج- خیلی خوب هست، ما با این خیلی موافقیم ما ابتکار ما کردیم و هر آنی که لازم باشد، حاضریم نامه مردم و تمام نشریاتمان را (به بررسی) بگذاریم که کدام کتا جقدر سود داده، جقدر خرج کرده ایم. تا این خارج حزب توده ایران اصلاً قابل مقایسه با خارج ما برین نیست. شاید نود و شصت درصد فعالین حزب توده ایران بدون هیچ گونه چشم داشتی برای حزب توده ایران کاری کنند. ما دروغ نمی گوئیم، اگر بگوئیم این نامه مردم را چند نفر می گردانند، شما متعجب خواهید کرد. اگر می باشد کتا تعداد افراد یک روزنامه میزان را می گردانند با افرادی که نامه مردم را می گردانند. حقوقی که اینها

میگردانند جقدر هست؟ همین قبل صحبت می کردیم که ایشان (اشاره به مشاور کراتی) صورت گذاشتند پیش من که بعضی از آقای ما طی پنجماه توین بدهند. گفت از اینکه، دوماه توان حقوق سوته زندگیش میگرد، تو می خواهی ما می پنجماه توین آنها مال ده ماه پیش را بگیریم؟ این که اصلاً نمی تواند هیچ کاری بکند. به این ترتیب به نظر ما خیلی اشتباهی کتبا که می خوانند ما را جلوی این شکل بگذارند. بعد از اینکه این رسیدگی شد، آن وقت ما طلبکار خواهیم شد، که ببینند جقدر این افترا زنی واقعا جانور دانه می آتھائی که حتی حسن نیت دارند، الفقه شده و (آنها را) تحت تأثیر گذاشته

ب- بر گردم به یکی از سئوالات اساسی مان، کتا آنجا که ما من بادم است، من عین جلات را یادداشت نکردم، ولی بعضی از کادربهای مرکزی حزب توده، بعد از حدود بیست رھتت مرداد به روسیه شوروی رفتند. تقری کم در "پلنوم" چهارم بوده باشد، اگر درست خاطر من باشد.

ج- بله

ب- که آمدند یک انتقاد از خود و یک تحلیلی نسبت به وضعیت حزب در دوران مسدود کردن مسائلی متوان شد از جمله دست بندی و بعضی موعه ما نیست، تا هات می باس یک "الف"، "ب"، "ج" من بادم است در آن پلنوم شده بود در آن موعه شما در یک جناحی که از اکثریت برخوردار نبود بودید، ولی بعد از انقلاب (که من به آن سالها و روزی کندی دارم) وقتی شما با ایران برگشتید، شما عنوان دبیر کل حزب را بپذیر کردید. آیا هنوز

اگر می خوای (شما) دیگر میگو تودای نگویید، یا سستی سرگ میسر معاندان خود بگوئی ...

آن دست بندی ها در حزب وجود دارد و بنا بر آن انتخاب شما برای دبیر کلی بر چه اساسی بوده است؟

ج- ببینید حزب تودای ما حزب قدرتمندان نیست، که مثل احزاب دیگر رئیسشان رئیس دولت هست و افراد مؤثر آن هم وکیل هستند و وزیر هستند و مقاماتی دارند و میتوانند از این موقعیت های خودش برای پیدا کردن هوادار استفاده بکنند. چنین چیزی در حزب توده ایران نیست. حزب توده ایران حزب افراد داوطلب است. کلاً داوطلب، هیچ کس را نمی شود در حزب توده ایران نگاه داشت، و اگر کسی خواست بروی، خواست فسخش دهد، خواست با رهبری حزب توده ایران مخالفت بکند ما هیچ قدرتی نداریم که او را از این کار بازداریم. به این ترتیب حزب توده ایران حزب داوطلبان است ولی در داخل این حزب منظر هر حزب، دردی دیگری رسالت مشخصی کار است. حزب هست، اختلاف نظر هست، که برای حل این اختلافات هر سبباً شویم می داریم، یعنی در مجمع حزبی (در مورد) این مسائل بحث می کنیم. ولی وقتها این اختلاف نظر کوچک است، وحدت خیلی زیاد است، گاهی وقتها اختلاف نظر خیلی شدیده است، وحدت متزلزل میشود. این را ما در تمام احزاب دیگر می بینیم. تصمیماتی گرفته می شود و رهبری عوض میشود، کتا حزب هست که رهبری آن بطور ایجابی برای تمام عصر خودش انتخاب شده باشد. در داخل حزب ما هم از روزی پایش خودش این زنده بودن وجود داشت است.

از همان روز اول پدایش، از همان اولین گفتار من، سوسال مختلفه اختلاف نظری بود، ولی ما یک قانون داریم در داخل حزب، که در هر شرایطی برای اینکه وحدت حزب را نگه داریم، سلا متش را نگه داریم و بگذاریم که رشد طبیعی بکند اقلیت از نظر اکثریت در عمل تمهیت می کند. نظر خودش را می تواند بگذارد، میتواند برای پیشبرد نظر خودش در مجمع صحبت حزبی ما را بزند. ولی در تمام تصمیماتی که گرفته شد، اقلیت از اکثریت تمهیت می کند. مطابق این اصل، پیش میاید که کتا که در یک دوره تاریخی در مسائلی

س- آن چیز که شما به عنوان "توافق" از آن یاد میکنید یک همچون توافقی در جمهوری اسلامی ایران و بیان برداشتی که من از اللهاکبر امام خمینی دارم. نمی توانست صحت داشته باشد بدون دلیل یکی اینکه خود آن کتب - خود اون سیاست، خود اون رهبری - خود اون نیروهای که موجودین انقلاب بودند. بدلیل اینکه این انقلاب بوجود آمد و پیروز شد پس این توانائی هم وجود دارد که بتواند محافظت بکند. در همان چارچوب در همان مکتب خلاصه میگویند بهترین دلیل برای اثبات چیزی اینست که یکبار شکل عملی به خودش را گرفته باشد، بصورت ملموس بشود، و این یکبار شده حالا از صدر اسلام که گذریم، این یکبار شده (حال) مسئله دوم که خود کیفیت و کمیت نیروها را بگیریم این معنی را پیش میارم شما آزاد هستید به عقیده من عقاید خودتان را بگوئید - سیاست خودش را پیش ببرد ولی صحبت از "توافق" نباید باشد صحبت از تابع و باصطلاح پیرو میخواید باشد برایتان یک مثالی بزنم - نگاه کنید - امام چند وقت پیش - این مسئله را کتبی می کند که با تجربه روش مطرح کرد - یکی ما میادیم که خوب می سلمان قدم به قدم می آید پیشترش نام می خواند چنانکه ما اگر این کار را بکنیم که ساعت نیم شده است من پیش سران می آیم نام می می خوانم ولی این دلیل نمی شود که من با شما بنشینم "توافق" بر سر مسائلی داشته باشیم - مکتب من بمن این اجازه را نمیدهم من عقیده خودم را کتا بصورت سؤال ننویسد امامی خواست نظر شما را در مورد جلات اخیر امام در مورد روزنامه مردم بیوس (اگر ایدان باشد که با هات تحریر می سازان بود است) بداند.

ج- ببینید ما ترجیح میدهم که درباره این جلات امام تحلیلی ندهیم چون در هیچ یک از نشریات دیگر هم تحلیلی در اینباره انجام نگرفته است و اینکه گفته امام را خود امام می بایستی تحلیل بکنند و توضیح در باره اش بدهند ما اینطور فقط گفته امام را شنیدیم، دیگران هم همینکار را کردند از ما هم نخواهید که در اینباره هیچگونه تحلیلی بدهیم برای اینکه ممکن است غیر از آنچه می باشد که امام گفت است و توقف ما در یک موقعیت ناچیزی قرار خواهیم گرفت. نمی خواهیم چنین کاری بکنیم.

ب- ما کلاً با نظر شما موافقم، امیدوارم که شما هم این نظر را تأیید بکنید که اگر اینجا راه خود امام رجوع میدهم که خودش منظرش را از نظرش بگوید. در مورد خط امام هم خودش بگوید. یعنی شما در این اصل گفتگاید. کتا یاد که معتقدیم ما امام یک چنین چیزی را می گوید - در آن محدودش نکنیم. خود امام خطی را روشن می کند.

ج- نمی بینید ما کتا گفتیم که خط امام فقط آن پنج اصل است ما هیچ وقت اینها نگفتیم. ما گفتیم این پنج عنصر ...

ب- شما گفتاید از اللهاکبر امام اینجور برداشت می کنیم.

ج- نه، ببینید، ما در مطبوعات خودمان این را شرح کردیم. کتا می

کتاب در خط حزب ما امروز وحدت فکری و وحدت عمل بهترین وجه خودی در تمام تاریخ حزب سوسالیسم است.

ما در مسائل اجتماعی و سیاسی شخصی جامعه، در این بخش این پنج عنصر را در نظریات امام تخصیص دادیم. اینها همه چیز هائی است که خود امام گفته است. ما از روی علم و ایمان بزرگ بعنوان ما از روشی ما از نظر این حرفی است که امام زده، ما تحلیل نکردیم. ما از هر برای کوششیمان برای دیگر کوشی های اجتماعی، برای اینکه ملکان و سرمایه داران غارتگر هستند، ما از به برای اینکه مردم آزاد هستند با اظهار نظر خودشان را بگویند ما از روی علم ... اینها تمام نظریات خود امام است. ما در مسائل سیاسی و اجتماعی اینها را محدود کردیم. در مسائل مذهبی امام نظریاتی دارد که خط امام هست ما گفتیم در مسائل سیاسی و اجتماعی این پنج عنصر را در نظریات امام می بینیم. کتا می بینیم، ما اهمیت قائل هستیم و با تمام قوا از اینها پشتیبانی می کنیم. به این دلیل هست که ما همین وقت نگفتیم که ما در خط امام هستیم، چون خط امام یک چیز وسیع است. ما گفتیم که اینها پشتیبانی می کنیم از هواداران خط امام برای اینکه هواداران خط امام در مسائل سیاسی و اجتماعی دنبال این پنج عنصر هستند. ما از آنها با تمام قوا پشتیبانی می کنیم.

ب- چون شما در مورد خط امام گفتید من تقری کم از توضیح لازم باشد که بعضی موعه در جلات دانشجوئی را بعضی مسائل دیگر دیدیم - گوئید دانشجوئی اعضای حزب توده با هواداران شان به بعضی انجمن اسلامی می گویند تا شما جزو خط امام نیستید و فقط ما می کتا ما می هستیم.

ج- اینها بگلی است، اینها بگلی است. س- اما من همین را می خواهم بگویم که وقتی گفت کلاً قبول دارم بر قسمت قبل، که از امام می شود این پنج عنصر را برداشت کرد در زمینه های سیاسی، اجتماعی هست پس اینها "توافق" نمی تواند معنی داشته باشد. ما هم در موعه های کلی را داده. اهداف شخصی شده، ما را رسد به آن هم مشخص شده بر همان بند "ج" که هست و با هر روز ما نشان میروای انقلابی با به اصلاح انقلابی اصلاحی از شیوه زندگی هائی هست که همین خط امامها هستند نتوانند تدریجی کرده و شروع به اجرائش گردانند.

ج- در هر مورد ببینید، این کتا بگوئید "توافق" نمی تواند باشد، با بعضی که تمهیت باشد یا ملان، ما این را بعد خود شما طرفداران خط امام می کنیم، ما به مستوی که باریک تر میرویم تا به حرف، مستوی سلسله است که است که طرفداران سوسالیسم علمی طرفداران خط امام خمینی در مرحله همین تاریخ، هر دو قبول دارند. تمام توان و نیروی خودشان را برای رسیدن به هدف های شخصی یا جفاکاران بکار می بندند. اینها کتا بگوئید "تمهیت" آنها از خط امام، ما اسمش را می گذاریم اشتراک و وحدت عمل. بگذارید در امر گذاری این برنامه آزاد باشیم.

ب- بله شما در همه چیز آزاد هستید. (اما) بعضی موعه در روزنامه مردم دیدیم سوسالیسمی کتا کتا کتا مانی به حزب کردمان این کتا های مانی تا اینکه من دیدیم ما هم رقم های زیاد چشمگیری هستند این سئوال پیش میاید که حزب با اینهمه شریکات معددی که منتشر می کند و با بودجه ای که بلاخره دارد و باید صرف کند و یک سری هزینه هائی که برایش هست این وضعیت مانی از کتا تا من میگوئیم و سوسالیسم (مهم اینجاست) این حزب ما نیست و با قبول داردی که مقامات ذیصلاحی این حساب و کتاب احزاب از جمله حزب توده را هم چنانکه فرضاً در قانون اساسی داریم کتا در اقامت، باید رسیدگی بشود قبل از آمدن به قدرت و بعدش و کم و کسرش با هم حساب شود آیا این حزب هم مایل است چنین کاری را خودش انجام دهد؟

تولید بیشتر مرغ و تخم مرغ باید جدی تر دنبال شود

راه آهن دولتی ایران به نام مردم پاسخ میدهد

دفتر اطلاعات، انتشارات و روابط عمومی راه آهن دولتی ایران در نامه‌های به شماره ۲۸۹ مورخ ۶۰/۱/۲۷ به طلب "نامه مردم" مندرج در شماره ۴۶۳ مورخ ۵۹/۱۲/۱۸ تحت عنوان "کارگران روز مزد راه آهن را رسمی کنید" پاسخ داده است، که عیناً در زیر درج میگردد:

"در آن روزنامه اشاره شده است که برای قانون کار قبلی، کارگران روز مزد که خدمت آنها از یکمردود تجاوز کند، داشته و رسمی میشوند، که این خلاف واقع است، زیرا طبق ماده ۲۳ قانون کار اولاً یکمرد روز نیست، بلکه ۹۰ روز میباشد و ثانیاً دائمی و رسمی نمیشوند، بلکه بعد از خاتمه کار خسارت اخراج به آنان تعلق نمیکرد. در این مورد طبق بخشنامه شماره ۱۶۵۱۴ مورخ ۵۹/۱۲/۱۲ راه آهن مسئله ۸۵ روزه بودن کارگران منقض شده و کارگران غیررسمی راه آهن بصورت قراردادی و پاداش بخدمت خود ادامه خواهند داد و از کلیه حقوق متعلقه بر اساس قانون کار بهره‌مند میشوند. ضمناً طبق ماده ۱۲ قانون کار انجام اضافه کار ساعتی برای هر کارگر تا ۲۴ ساعت در هفته مجاز است و اگر کسی اضافه کار انجام دهد به او حقوق متعلقه طبق قانون پرداخت می‌گردد، مگر در مواردی که ضوابط و مقررات منع کرده باشد. در جای دیگر آن روزنامه صرف داشتن سابقه کار را دلیل رسمی شدن میدانند، که باید دید در کجای قانون کار چنین موردی عنوان شده است. تصور می‌شود که نوشته شده هم چگونگی کارهای از مقررات داشته و اصل آن بود که با عنایت قانون کار مطلب خود را در روزنامه منتشر نمودند. در خاتمه طبق مقررات هر کارگری در مورد وضع خود کتبی داشته باشد، میتواند به اداره کار شهر خود مراجعه نماید و با اصدار توسط مقامات قانونی ضابطه برای راه آهن لازم الاجرا خواهد بود.

۶۰ تا ۸۰ ریال است. بی جهت نیست کسانی هم که جوجه را از جای دیگر تهیه کرده‌اند، برای تهیه دانه به جهاد هجوم می‌آورند. هر روز عده‌ای از مرغداران برای رفع مشکلات خود به جهاد سازندگی کرمانشاه مراجعه می‌کنند. آنها از این که مدت‌ها باید در توبت بمانند کله دارند و حتی اغلب پس از رسیدن نوبتشان، وقتی به تهران برای تحویل جوجه می‌آیند، از جوجه خیری نیست. مشکل تهیه سوخت هم پس از شروع جنگ مزید بر علت شده است.

کمبود جوجه

علاوه بر تخم‌های نطفه دار و مرغ‌های مادر (که تخم نطفه‌دار می‌گذاردند) برای رفع نیاز کارخانه‌های جوجه‌کشی داخلی، بیش از ۵ میلیون قطعه از کشورهای مختلف مجمله بلژیک و هلند و رومانی وارد می‌شود. بخاطر محاصره اقتصادی و ترسیدن قطعات یدکی، بیشتر جوجه‌کشی‌های داخلی باتمام ظرفیت کار نمی‌کنند و با خوابیده‌اند. سرمایه‌داران هم فقط سود را می‌شناسند و از سرمایه‌گذاری بی‌بناکند. این‌ها همه باعث تشدید کمبود جوجه شده‌اند.

معلوم نیست چرا از کشورهای که دوست انقلاب برانند و نه در محاصره اقتصادی علیه ما شرکت دارند و نه شرط و مانعی در تجارت برابر حقوق با ایران قایلند، کمبود جوجه تامین نمی‌شود؟ و چرا ورود ماشین‌های جوجه‌کشی هنوز در انحصار کشورهای امپریالیستی است، که ما را در محاصره اقتصادی دارند؟ در استان کرمانشاهان کارخانه جوجه‌کشی وجود ندارد و جوجه از تهران تامین می‌شود. البته چند دستگاه کارخانه جوجه‌کشی در دست ساختمان است، ولی با اتمام این کارخانه‌ها باز هم مشکل پرورش مرغ‌های مادر، که مرغ‌های تخم‌نطفه دار هستند، لاینحل باقی می‌ماند. باید در این مورد هم فکر اساسی کرد.

پس از پیروزی انقلاب، در پی کوشش مسئولان برای کوتاه کردن دست واسطه‌های انگل و گسترش رشت‌های وابستگی، در کرمانشاه اقداماتی نیز توسط مرکز گسترش تعاونی‌های تولیدی استان کرمانشاهان انجام گرفته است. این تعاونی‌ها سه نوع هستند. ۱- صنعتی، ۲- عمرانی، ۳- کشاورزی.

مرغداری در بخش کشاورزی می‌گردد، و چون بخش خصوصی تاکنون علاقه زیادی به پرورش مرغ گوشتی و تخم‌ی نشان داده است، بنابراین مرکز گسترش تعاونی محلی برای حمایت از مرغداران ندارد، به عبارت دیگر تعاونی مرغداری وجود ندارد، بویژه که مرغداری‌های استان چندان بزرگ نیستند و سرمایه آنها هم اندک است و بخش خصوصی به تنهایی قادر است از پس این کار برآید.

در مورد تولید گوشت سفید (گوشت پرندگان و ماهی) در سطح استان کرمانشاه قدم‌هایی برداشته شده است. در حال حاضر دو کارخانه جوجه‌کشی بزرگ در حال تأسیس است. این کارخانه‌ها بصورت تعاونی اداره می‌شوند.

کارگران مرغداری‌ها و تمام دل‌سوزان انقلاب، ضمن اینکه از هیچ گونه تلاشی برای به راه انداختن سریع تر چرخ‌های اقتصاد کشور خودداری نمی‌کنند، از مسئولان امر امید و انتظار دارند که به وضع آنها رسیدگی شود. تلاش در امر تولید، خشکاندن ریشه‌های بهره‌مرداری ضد انقلاب است.

چندی است که در ارتباط با کوتاه کردن دست واسطه‌ها و لایان‌مفت خوار، کوشش‌هایی برای کنترل امر تهیه و توزیع تخم مرغ نطفه دار، جوجه یکروزه و دانه سازمان داده شده است. این مسئولیت در کرمانشاه بر دوش جهاد سازندگی قرار دارد. هر مرغدار (اعم از با جواز یا بی جواز) باید پس از مراجعه به دام پزشکی منطقه با تعیین گنجایش مرغ‌داری خود و تأیید جهاد سازندگی کرمانشاه، حواله دریافت جوجه، و

تهیه سوخت هم که از همه چیز مشکل‌تر است.

مرغداری جمالی

مرغداری جمالی بانصف گنجایش خود کار می‌کند و همه کارها را یکفر کارگر به تنهایی انجام می‌دهد. وی از کار طاقت‌فرسای خود کله داشت و می‌گفت: "از بوی تعفن اینجا دائما سرم کبچ می‌رود. همیشه مجبورم کنتار مرغ‌ها باشم، زیر آن‌ها را تمیز کنم، و



باید زیر مرغ‌ها را تمیز کنیم، مواظبت کنیم مریض نشوند ولی با بوی تعفن، خودمان زودتر مریض می‌شویم

به نسبت تعداد آن‌ها، دانش دریافت را به موقع فراهم کنم، سوخت در بخاری‌ها بریزم، گونی‌های دانه را از کامیون‌ها تخلیه کنم و ... از زیادی کار بی‌حوسله شدم و دائما عصبانی هستم.

مشکل تهیه دانه

نرخ دولتی جوجه یکروزه ۴۵ ریال است، که با کرایه حمل و نقل و تلفات بین راه، به ۵۰ ریال می‌رسد. این مبلغ در مقایسه با نرخ بازار سه دانه‌ای هفتاد ریال - مقرون به



برای قفس مرغ‌ها نیز جای امنی فراهم نشده است

صرفه است. نمایندگان غیردولتی توزیع دانه در کرمانشاه، شرکت‌های "غوب دانه" و "دانه‌های غرب" هستند. صاحبان این شرکت‌ها انبارهای پر از دانه در اختیار دارند، ولی قطعه به مشتری "مطمئن" با نرخ مطلوب می‌فروشند. دانه‌ای که جهاد سازندگی حواله آن را صادر می‌کند و به دام‌پروری تحویل می‌دهد، فقط برای کسانی است که به وسیله جهاد سازندگی جوجه تهیه کرده باشند. در این مورد چندی پیش جهاد اطلاعاتی به شرح زیر صادر کرد: "جهاد سازندگی کرمانشاه به‌موارد کنندگان استان، که جوجه یکروزه را از بازار آزاد خریداری می‌کنند، حواله برای دریافت دانه‌های مرغی می‌دهد و فقط به مرغداران و واردکنندگان که جوجه یکروزه از شرکت‌های معتبر تولیدی با نرخ رسمی دولت خریداری می‌نمایند، اجازه رسمی برای دریافت دانه ۳۰ کیلویی ۳۰ ریال است، ولی نرخ فروش آزاد بین

مردها را جداکنم، آب و دانمشان را به موقع فراهم کنم، سوخت در بخاری‌ها بریزم، گونی‌های دانه را از کامیون‌ها تخلیه کنم و ... از زیادی کار بی‌حوسله شدم و دائما عصبانی هستم.

محمد علی جمالی، صاحب مرغ‌داری، گفت:

"جوجه گیر نمی‌آید و باید آن را از بازار سه‌ایه خرید. تازه آنها همه کس هم نمی‌فروشند. فاکتور هم که به ما نمی‌دهند. برای هر یکسکاز جوجه‌ها هفتاد ریال پول داده‌ام، آن‌هم با کله خواهد و التماس، کرایه حمل آن‌ها را هم جداگانه پرداخته‌ام.

مرغداری سید مرغ

در مرغداری سید مرغ چهار نفر کارگر کار می‌کنند و هر یک ماهانه بیست هزار ریال حقوق دریافت می‌کنند. یکی از کارگران گفت: "از مرغ‌ها کاملاً مراقبت می‌کنیم. هر روز صبح ساعت ۵ بیدار می‌شویم و تا ساعت ده شب یکسکاز را می‌کنیم. بعد نوبتی کشیک می‌دهیم. مرغداری سید مرغ از روی اصول فنی ساخته نشده است. سقف آن چوبی است. دیوارها شکاف برداشته‌اند و از نظر ایمنی قابل اطمینان نیست. گندش‌هاظهور، حتی کارگرانی که در آن کار می‌کنند، تا این جایی ندارند.

با اینکه مرغداری‌ها از درآمد خوبی بهره‌مند هستند، ولی کارگران آن‌ها از هم‌چیز محرومند. آنها همه از شدت کار، نتوانسته‌اند تعطیلی بنویسند، مزایا، کمی حقوق، نداشتن بیمه، درمانی و ... تحت فشار قرار دارند. "از کله سحر تا بوق سک، بخاطر ماهی دوهزار تومان باید کار کنیم. دائما باید زیر مرغ‌ها را تمیز کنیم و مواظب باشیم که آن‌ها مریض نشوند. اگر روزی مریض شویم، هیچ‌کس بفکر ما نخواهد بود. از ویژگی‌های کار در مرغداری‌ها نظافت دائم آنهاست. باید مرتب زیر مرغ‌ها را تمیز کرد، والا تعفن حاصله مرغ‌ها را بیمار می‌کند. فقط کافی است یک مرغ بیمار شود، تا بقیه مرغ‌ها به سرعت به آن بیماری مبتلا شوند و یکباره تلفات کلی بر آنها وارد گردد.

مرغ و تخم مرغ در تهیه مردم سهم قابل توجهی را داراست. بطوری که نوسانات قیمت، وفور و کمیابی آن‌ها به خوبی محسوس است. گوشت مرغ رقم قابل توجهی را در مصرف پروتئین به‌خود اختصاص داده است. این رقم بویژه پس از استفاده از امکانات جدید پرورش طیور حاصل شده است.

بیش از دو هزار مرغداری تنها در استان کرمانشاه وجود دارد. اگر همه آنها باتمام ظرفیت خود کار کنند، علاوه بر مصرف داخلی استان، مقداری از جوامع استان‌های نزدیک را هم برطرف خواهند کرد. نکته نماند که از مجموع این تعداد فقط حدود دویست مرغ‌داری دارای جواز رسمی هستند.

وضع عمومی مرغ‌داری‌ها

در مرغداری‌های کرمانشاه نظارت علمی برقرار نیست و متخصصینی هم وجود ندارند که به آنها سرکشی کنند و نقائص آن‌ها را رفع کنند. درجه حرارت سالن‌ها از طریق علمی تنظیم نمی‌شوند و در بیشتر آنها بوی تعفن متماز را می‌آزارد. همین آلود بودن فضای سالن‌ها، رقم مرگ و میر را در طیور بالا می‌برد.

بیماری از مرغداری‌ها فضای محقری دارند و دارای سقف چوبی و پستیمبک اندود هستند. آن‌ها از نظر آنتی‌سپور و مقاومت در برابر بارندگی این نیستند و سطح امکانات آن‌ها از حد استاندارد بسیار پایین‌تر است. مدت زمان پرورش جوجه معمولاً حدود شصت روز است، یعنی تا سه روز اقتصادی است و از آن به بعد بهتر است دسته جدیدی پرورش داده شود. مثلاً اگر جوجه‌ای تا ۶۰ روز اول طوری رشد کند که وزنش دو کیلو شود پس از ۱۲۰ روز، در حالی که دورا بر جوجه جدید دانه مصرف می‌کند، حداکثر وزنش به حدود سه کیلو می‌رسد.

پیشگیری

پیشگیری و مداوای طیور توسط اداره دامپزشکی صورت می‌گیرد. معمولاً واکسن خورگی نسبت به نوع می‌گیرد، زیرا در این صورت نیازی به دامپزشک نیست. به منظور کسب اطلاعاتی از مرغ‌داری‌ها، چند مرغداری در استان کرمانشاه را از نظر می‌گردانیم.

مرغداری گلچین

مرغداری گلچین بین بیستون و صحنه قرار دارد و ظرفیت آن حدود بیست هزار (عدد) است. در این مرغداری بیشتر مرغ‌ها را می‌کنند و هر یک از آن‌ها روزی ششصد ریال حقوق می‌گیرند. یکی از این کارگران می‌گفت:

"به زحمت زیادی که می‌کنیم، فقط خرج همان روزمان در می‌آید. اگر یکفر از ما روزی نتوانست کار کند، مزدی دریافت نخواهد کرد. ما تعطیلی نداریم و دیگر به دیرمردی به دیدار خانواده خود که در ده زندگی می‌کنند، می‌شویم.

مرغداری عظیمی

در مرغداری عظیمی، که دارای ظرفیت ده هزار قطعه مرغ است، فقط چهار هزار قطعه مرغ وجود دارد. یکی از کارگران بنام علی محمد می‌گفت: "برای همین تعداد هم دانه به سختی بدست می‌آوریم. آخر فرشته‌های جوجه، مسئولیتی در مقابل تهیه دانه قبول نمی‌کنند.

سازمان تامین اجتماعی به نام مردم پاسخ میدهد

اداره روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی در نامه‌ای به شماره ۲۸۴۲/۹ مورخ ۶۰/۱/۲۶ به طلب مندرج در "نامه مردم"، شماره ۴۲۵، مورخ ۵۹/۱۱/۲۷ تحت عنوان "سودجویی سرمایه‌داران جان کارگران را تهدید می‌کند" پاسخ داده است که در زیر عیناً درج می‌گردد: "تا تاریخ ۵۹/۱۲/۲۳ تعداد ۸۰ نفر از کارکنان شرکت برتا ساخت نام نویسی شده و مجموعاً تعداد ۳۲۰ جلد دفترچه تامین درمان جهت کارکنان آن شرکت و خانواده بلافاصله تسلیم صادر و تحویل گردیده و دیگر کارکنانی که تاکنون به شمه جهت دریافت دفترچه مراجعه ننموده‌اند، مانند دیگر بیمه‌شدگان در صورت مراجعه دفترچه تامین درمان دریافت خواهند نمود.

طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

مسئله پرداخت آب بهای کشاورزان کیلان باید با تفاهم حل شود

است که یکی از مشکلات دهقانان استان کیلان است. کشاورزان بروجرد استان، با قبل از بهسوزی انقلاب، سالانه مبلغی بعنوان آب بها پرداخت می کردند. تعیین مبلغ بستگی به نوع محل داشت. مثلا برای کشاورزانی که مزارعشان از شبکه آب رسانی فوسفات مشروب میشد، به ازای هر هکتار، سالانه مبلغی حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ تومان و برای مزارعی که از مخازن سنتی مشروب میشدند، هکتاری ۷۰ تومان بود. این مبلغ به شرکت آب منطقه‌ای شمال پرداخت میشد.

با وجود پرداخت مبلغ فوق، در بیشتر سالها آب کافی به مزارع نمی رسید. این بعلمت کم بودن گنجایش مخزن سد سفید رود، توزیع نادرست و سیاست ضد مردمی رژیم گذشته در استفاده از امکانات طبیعی مزارع در حال کشاورزان مجبور به پرداخت آب بها بودند.

پس از انقلاب و تأمین چندی بهی، دولت هیچگونه اقدامی جهت وصول آب بها نکرد و حالا کمترین مسئله مطرح شده است، مشکلاتی را برای طرفین بوجود آورده است. از یک طرف شرکت آب منطقه‌ای شمال با کمبود بودجه روبروست و نمی تواند در جهت لایروبی رودخانهها و استخرهای منطقه اقدام کند، از طرف دیگر عدم ایاز بروجردگان، بعلمت عدم توانایی مالی بپردازن آب بها، حقوقه مخالفت می کنند. در این میان ضد انقلاب فعال است و سعی می کند از این جریان به سود خود استفاده کند. ضد انقلاب می خواست تظاهرات به راه بیاورد و روستائیان را به طرف شبکه دخانیات بکشد، ولی با هوشیاری عناصر آگاه و انقلابی این توطئه خنثی شد.

بر طرفین است که با در نظر گرفتن وضع موجود مملکت، در جهت حل مسئله اقدام کنند. مسئولین منطقه هم چنین کشاورزان زحمتکش کیلان، که با این مسئله مواجه هستند، باید به گونه‌ای برنامه ریزی کنند که علاوه بر ایجاد امکان لایروبی چاهها و استفاده از آنها، راه فو ضد انقلاب در منطقه را نیز سد و بکنند و اجازه ندهند که این عناصر زیر شاخه‌های ساورا انقلابی مفاصد ضد انقلابی خود را اعمال کنند. بخوبی روشن است که آب بها کیلانی مسئله‌های بسیار است و با ساده اندیشی نمیتوان با آن برخورد کرد. باید بارشماهی و درک دقیق وضع روستائیان، بطور مشخصی و متفاوت، ولی بر اساس ضوابط یکسان و به میزان یک نواخت این مسئله را حل کرد. در حل آن نیز باید در درجه اول نیازهای اقتصاد کشاورزی و منافع حقه دهقانان زحمتکش را، که با تولید برداش آنها است، در نظر داشت. باید با دور اندیشی و احتیاط با مسئله برخورد کرد. با مطالعه درست تشخیص داد که چه کسانی میتوانند آب بها را بپردازند و چند درصد آن، به چه علت، به چه نسبت از چه زمانی، قابل پرداخت است و چگونه میتوان آن را قسط بندی کرد. باید بهای عادلانه قابل پذیرش نیز برای گذشته و حال تعیین کرد. اگر مقصود پیدا کردن راه حل باشد، باید از نارضایتی احتراز کرد و بطور جدی، به اساس مسئله، برخورد تفاهم آمیز داشت، یعنی کاری نکرد که وضع تنج آفرین بوجود آید و ضد انقلاب موفق شود از قشری گری و ندانم کاری و اتهام زنی سوء استفاده کند و کار را به بدرگیری و توطئه بکشد.

نیاید که فراموش کرد که این فرادای هم هستند که آگاهانه به این جو دامن میزنند. مثلا چندی پیش گروهی از روستائیان شالیکار منطقه فوسون و صومعه سرا، به منظور تبادل نظر و حل مسئله آب بها، بنا به دعوت روحانی شهر صومعه سرا و مسئول آب رسانی منطقه در محل مسجد امام جعفر صومعه سرا گرد آمدند. روحانی مزبور پس از اشاره به مسئله جنگ، با بی نظمی و انود می کند که هر کس پول آب بپاراند، کافر است. پس از آن مسئول آب رسانی منطقه سخنرانی کرد و از دهقانان خواست که حتما پول آب بها را بپردازند. وی بدون آنکه به مسائل مشخص و موارد مختلف بپردازد، با آوری کرد کمین قرارداد از قبل بسته شده است و هیچ کس حق فسخ آن را ندارد. پس از این سخنان، دهقانان مسجد را به علامت

از سوی دیگر لازم است کشاورزانی که قادرند و توانایی مالی دارند، آب بها را بپردازند. عدالتی است که دهقانان زحمتکش نیز عقیده دارند که بپردازن آب بها چند ساله برای آن مقدور نیست و در حال حاضر می توانند فقط آب بها سال گذشته را بپردازند. بدهند و بقیه را بصورت اقساط بپردازند. آبها همچنین از دولت انتظار دارند که برای پرداخت این مبلغ، با در نظر گرفتن مقدار سطح زیر کشت و قدرت مالی کشاورزان، تفاوت هائی قائل شوند و در هر مورد بطور مشخص برخورد شود و یک تصمیم قاطعی برای همه موارد به اجرا گذاشته نشود. البته باید ضابطه میزان حق آب یکسان باشد و یک نواخت وصول شود. تا بحال از این بابت محدود شده است.

اگر مبلغ پرداختی نسبت به میزان زیر کشت، از صدر تا ذیل، به نام حق حفاظت و نگهداری سد و شبکه آبیاری و غیره یکسان شود، مسئله مهمی حل خواهد شد.

دهقانان نیز با تشکیل در اتحادیههای خود، مثلا "شالیکاران" یا "توتون کاران"، و ایجاد همکاری بین خود میتوانند خواستهای حقوقی و معقول خود را اعلام کنند و شرح وضع خود برای مسئولان دولتی و تشویق و ترغیب، از طریق درک متقابل و تفاهم، راه چاره‌های پیدا کنند.

چنین نمونه عملی فقط یک مسئله مهم و واحد نظیر آب بها را حل خواهد کرد، بلکه با ایجاد محیط دوستی و اعتماد و حمایت، که لازمه پیشرفت انقلاب است، کمک خواهد کرد.

در منطقه آستارا توتون، پس از برنج، یکی از محصولات عمده است. تعداد آن جز با دخانیات همپایان نیست. ششدرگرماند، که اکثر اهالی روستاهای اطراف لوندویل (چلوند، باش حله، خلیلمسرا، کردسرا، کوتکوه و قمبر حله) هستند. توتون یکی از مشکلترین و پر ارزشترین محصولات کشاورزی است.

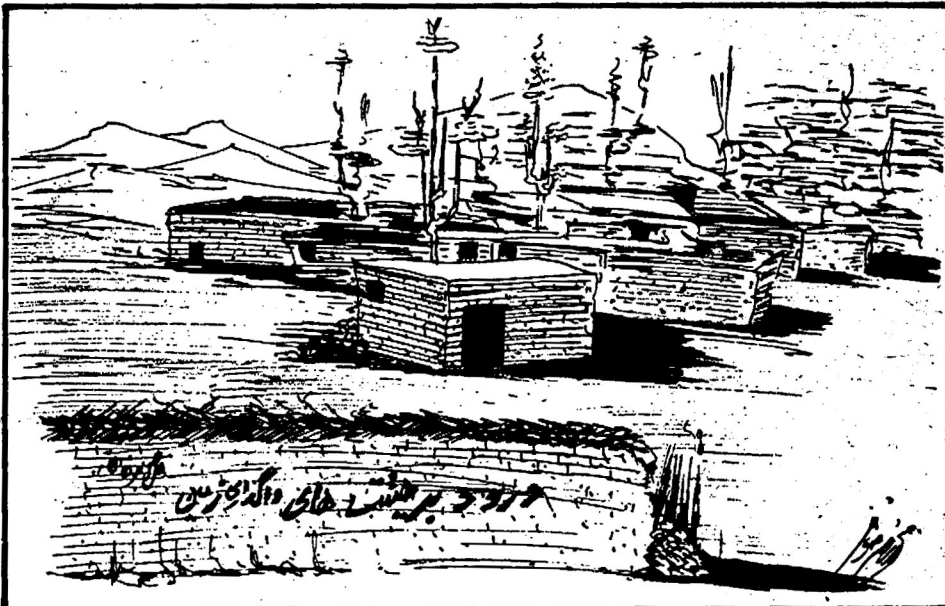
یکی از خواستهای همیشگی توتونکاران افزایش قیمت محصول است. با هر نوسان در تولید است. از آنجاکه هزینه تولید در آستارا نسبت به دیگر نقاط کیلان (از نظر مزد کارگر) نازل تر است، توتونکاران آستارا نسبت به بقیه توتونکاران کیلان از اعلام اخیر افزایش بهای توتون، ترسند.

توتونکاران این منطقه نیازها و خواستهای دارند که اغلب همانند مسائل و خواستهای کشاورزان و بطور خاص توتونکاران سراسر ایران است. از آنجاکه توتون در مناطق کوهستانی آستارا نیز تولید می شود، فقدان راه موجب میگرد که توتونکاران توتون خود را تا جاده ماشین رو با اسب حمل کنند و مدتی منتظر تا شین باشند، که این امر باعث خرابی توتون می شود. آنها خواستار ایجاد جاده هستند. ایجاد سازندگی گامهایی در این زمینه برداشته است، لیکن هنوز کافی نیست. در بعضی نقاط با وجود جاده، به روی رودخانه‌های مسیر پل وجود ندارد. بدلیل نبودن اینها توتونکاران در آستارا، توتونکاران مجبورند

این روستا در ۷۰ کیلومتری شهرستان صومعه سرا قرار دارد (صدا دستانوار ۲۵۰ و جمعیت ۱۵۰۰ نفر). اهالی روستا با وجود مشکلات متعدد ناشی از فقدان امکانات معیشتی و بهداشتی آمادگی خود را برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا و تجاوزگران صدامی اعلام کرده اند و اظهار می دارند:

"ما در کشت بیشتر محصول می کوشیم تا کم تر صدام تجاوزگر و خائن را بشکنیم"

بنا به گفته روستائیان، هشت هفت نفری واگذاری زمین، حدود ۲۰۰ هکتار



ویژه مسائل تولید کشاورزی در استان کیلان

آفت زدایی درختان توت در کیلان ضروری است

توتستانهای کیلان را آفت شیشک به نابودی تهدید می کند. این آفت خطرناک از چند سال قبل به درختان توت کیلان، به ویژه شهرستانهای فوسون، صومعه سرا، آستارا، لاهیجان و لنگرود حمله کرده و با سرعت در حال گسترش است.

آفت شیشک در درختان توت، موجب می شود که لطمه شدیدی به بارم برورش کرم ابریشم، که یکی از مهم ترین کارهای کشاورزان شمال ایران است، وارد آید. این آفت بیشتر در شاخه های جوان و بخصوص به محل اتصال شاخه به تنه اصلی درخت دیده می شود و در مدت کوتاهی مثل یو در سفید محل آلوده را می پوشاند و موجب خشکی درخت در مدت کوتاهی می شود. بلکال ناسف تاگون، از سوی ادارات کشاورزی منطقه جهت رفع این آفت اقدامی بعمل نیامده است.

دهقانان برورش دهنده کرم ابریشم از ادارات کشاورزی انتظار دارند که با بررسی شاخه های آلوده و سمپاشی منطقه، این آفت خاننا سوز را ریشه کن کند.

توتونکاران آستارا و خواستهایشان

توتون خود را به انبار هشتبر حمل کند، که این امر بر متضمن مخارج اضافی و بهر طرفت و وقت برای توتونکاران است. مشکل عمومی دیگری که همه توتونکاران با آن مواجه هستند، نرسیدن به موقع امکانات تولیدی از قبیل بخر، سم، کود و وام است. در این باره لازم است که ادارات دخانیات فکر جدی بکنند و موجب رفت و آمد مکرر و سهولت کشاورزان به دخانیات نشوند.

دخانیات برای خرید تراکتور و تیلر به توتونکاران وام میدهد. ولی این وام با شرایطی داده میشود که اغلب فقط توتونکاران مرفه و پولدار می توانند از آن بهره مند گردند. برای مثال وام تیلر به کسانی داده میشود که یک نیم هکتار توتون کشت کنند و باید تیلر را ابتدا بخرند و فاکتور آنرا برای دریافت وام به دخانیات ارائه دهند. این امر موجب میگرد که واسطه ها و عاملان ایجاد بازار سیاه، با تخمین آلات را خیلی گرانتر از قیمت تعیین شده بخرند. کوتاه کردن دست واسطه ها و ایجاد مرکز خدمات تجهیز به ماشین آلات، خواست دیگر توتونکاران آستارا است.

توتونکاران بجز می خواهند و انتظار دارند که وسایط و امکانات کارشان به موقع در اختیارشان قرار گیرد و وام نیز به موقع به توتونکاران مستحق داده شود، و برای همه اینها کمک شود، تا آنها تعاونی خود را ایجاد کنند.

تشکیل شرکت تعاونی ضرورت روز در روستای صیقل و ندان، است

زمین را، که در مالکیت شرکت چوکا بوده، به دهقانان واگذار کرده است. این روستا فاقد شرکت تعاونی و انبار نفت است و اهالی از کمبود بنزین اظهار نگرانی می کنند. آنان بناچار نفت خود را از روستای چویه، که در ۲ کیلومتری صیقل و ندان قرار دارد، تهیه می کنند. یکی از خواستهای آنها تاسیسات روستا و ایجاد مدرسه، مانگا، حمام، برق، شرکت تعاونی و اتمام مدرسه راهنمایی است و در این مورد می گویند:

"ما انتظارات بیش از حد از دولت نداریم. چون در شرایط حاضر با توفیق های رنگارنگ آمریکا و تجاوز مزدوران بعثی عراق و نیز محاصره اقتصادی روبرو هستیم، یک وجب از زمین خود را بدون کشت نخواهیم گذاشت. دهقانان زحمتکش، با صداقت و هوشیاری انقلابی، شرایط انقلاب و کشور را در نظر دارند و در هر حال آماده جانپازی در راه انقلاب و کشور هستند. آنان به اجرای کامل و فوری قانون اصلاحات ارضی نیز از همین جهت، یعنی حفاظت از انقلاب و پیشبرد آن، می نگرند."

نتایج نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه

در روز ششم اردیبهشت ۱۳۶۰، نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه برگزار شد. در این دوره، نه کاندیدا شرکت داشته که به دو گروه «بزرگان» و «کوچکان» موسوم گشته بودند.

گروه «بزرگان» «والری-ژسکارستن» (رئیس جمهوری کنونی)، ژاک شیراک (کلیست)، فرانسوا میتران (سوسیالیست) و ژورژمارشال (دیرکل حزب کمونیست فرانسه) را دربر میگرفت. و گروه «کوچکان» دو نامزد راستگرا، سه چپ‌نما و یک بااصطلاح مدافع حفاظت از طبیعت را شامل می‌شد. یگزارش خبرگزاری‌ها، مدافع پایان دوره نخست انتخابات ریاست جمهوری، ژسکارستن ۲۸٫۰۳ درصد، میتران ۲۶٫۰۱ درصد، شیراک ۱۸٫۰۲ و مارشال ۱۵٫۳۵ درصد آراء را بدست آوردند. یادآور می‌شویم، که در حدود ۲۰ درصد رای‌دهندگان در روز ۶ اردیبهشت بیای صندوق رای نرفتند.

پدیشان، چنانکه انتظار می‌رفت، در انتخابات دوره اول هیچک از نامزدها اکثریت مطلق آراء را بدست نیاورد و در نتیجه، انتخابات در دوره دوم، که در روز ۲۰ اردیبهشت برگزار خواهد شد، ژسکارستن و میتران بر سر احراز سمت ریاست جمهوری در برابر یکدیگر قرار خواهند گرفت. چنانکه نتایج انتخاباتی دوره نخست نشان می‌دهد، سفد

آرایی و دیارویی قلبی نیروهای وایسگرا - محافظه‌کار و دمکراتیک، قریب‌خواه در فرانسه همچنان یکی از ویژگی‌های چشمگیر صحنه سیاست فرانسه بشمار می‌آید. یوزوآزی فرانسه این بار نیز میکوشد تا نخست با علم کردن نمایندگان مختلفه خود، به ذرات، هیچکونه اختلاف ماهوی میان آنها وجود ندارد. در رای‌دهندگان سرزدگی و تفرقه برانگیزد و از این راه علیه نیروهای مترقی و دمکراتیک سود جوید. بنابراین، بیخ روی تازه و شکست‌ناگین نیست که، بیدرتک پس از اعلان نتیجه‌های دوره نخست، ژاک شیراک هواداران خود را فراخواند تا در دوره بعد به ژسکارستن رای دهند. البته نقش ویژه دو «خدمت‌نما» راستگرا و سه «خدمه نامزده» چپ‌نما و کسانیدید بااصطلاح مدافع حفاظت طبیعت را نیز باید در این چارچوب ارزیابی کرد. چنانکه آنکه کاندیدای اخیر، که در حدود ۴ درصد آراء را هم بدست آورده، برنامه انتخاباتی خود را بر این پایه قرار داده بود، که مردم نباید به سیاست بپردازند!

از سوی دیگر، تفرقه میان نیروهای چپ نیز یکمک چپه راستگرایان آمد. خدمت فرانسوا میتران، در این زمینه، بسیار قابل توجه بود. او و همکارانش، در سالهای گذشته، پگونه‌های چشمگیر، در قریب‌هاه گستره‌های سیاست داخلی و خارجی، از جمله مسائل اقتصادی، اجتماعی و موضع‌گیری در برابر آمریکا، اسرائیل و فتاوه - به جهت راست گرائیدند. بدین ترتیب، با عدول سوسیالیست‌ها از اصول همکاری مشترک آنها با کمونیست‌ها در گذشته، پایه‌ای برای وحدت عمل و ائتلاف انتخاباتی میان سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها باقی نماند.

حزب کمونیست فرانسه، از آغاز کارزار انتخاباتی، مبارزه خود را بر پایه مقابله با کاهن روزافزون سطح زندگی زحمتکشان فرانسه (اینک در این کشور ۱٫۳۸ میلیون نفر بیکارند و نرخ تورم بیش از ۱۵ درصد است) و دفاع از حقوق دمکراتیک مردم و تأمین صلح بنا نهاد. یکی از ویژگی‌های تبلیغات انتخاباتی کمونیست‌ها این بود که، به مبارزه برای کسب رای بسندم نگرند، بلکه بیکار انتخاباتی را با کارزارها و ابتکارات شخص

و در پاره‌ای موارد موفق و موثر در راه پیشبرد حقوق زحمتکشان (مانند ماجرای مانو فرانس و دمکنکاران مراکسی-مقیم فرانسه) تالیق بخشیدند، زیرا همانگونه که شامل فتر، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، در گزارش کمیته مرکزی به کنفرانس ملی، حزب یادآور شد:

این توهم را باید درهم شکست، که گویا زحمتکشان تاریخ انتخابات دست روی سینه می‌گذارند و در انتظار می‌نشینند تا شاید خواسته‌های آنها تحقق یابد. مبارزات انتخاباتی تنها هنگامی می‌توانند به پیروزی برای زحمتکشان بیانجامند که با یکارهای اجتماعی و کارزارهای یگپر در راه پیشبرد خواسته‌های آنها هنگام باشند.

در انتخابات ششماردیبهشت، نزدیک به پنج میلیون فرانسوی به ژورژمارشال، نامزد حزب کمونیست فرانسه، رای دادند، بگفته رهبر این حزب، از اینراه، «پروژنی» پشتیبانی خود را از سیاست جدید، بدون زحمتکشان اعلام کرده. این رقم، همچنین، از اینجهت قابل توجه است، که حزب کمونیست فرانسه، در برابر تبلیغات وسیع ضد کمونیستی و شورویستیزانه محافل ارتجاعی، دوستانه‌ترین و مناسرم‌فرست‌طلب، به‌اصولیت آرمان و برنامه خوش وفادار ماند.

نامزدهای راستگرا نه تنها از همه مزایای انحصارطلبانه و غیردمکراتیک سیستم انتخاباتی در مرحله‌ای، مانند همیشه، سود بردند، بلکه از مسائل و منابع دولتی، به‌مربرداری‌نا مشروع کردند. این سوءاستفاده یوزره از سوی ژسکارستن مشهود بود. همچنین، نباید از یاد برد که بسیاری از کسانی که اصولاً می‌باید به ژورژمارشال رای میدادند، تحت تأثیر این «استدلال»، که چون گویا ری «شانس» انتخاب‌شدن را ندارد و بدین ترتیب این رای‌تصا به «هدره» می‌رود، رای خود را بسود میتران در صندوق ریختند. ژورژمارشال، با اشاره به این واقعیت، پدرتی یادآور شد که، این امر می‌تواند به انحصارطلبی سوسیالیست‌ها و خودداری لاجب‌آمین آنها از همکاری با نیروهای راستین چپ، و قلبی از همه کمونیست‌ها، بیافزاید. کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه قرار است، در جلسه‌ای فوق‌العاده، روش خود را در دوره دوم انتخابات بررسی و تعیین کند.

رئیس دادگاه:

امیرانتظام میخواست بین ایران ولیبی و فلسطین جدائی بیندازد

محاکه عیاس امیرانتظام، سخنگوی دولت موقت، به اتهام جاسوسی برای آمریکا، روز ۸ اردیبهشت ۶۰ نیز با قرائت موارد کثیرخواست دادستان انقلاب، برای اطلاق نهایی ستم، ادامه یافت.

در این جلسه، که به ریاست آیت‌الله محمدی گیلانی و با شرکت دانش‌آموختگان روزنامه‌نگاران برگزار شد، ابتدا رئیس دادگاه ضمن اشاره به ۴ مورد کیفرخواست، از جمله گفت:

«آمریکایی‌ها دنیای اسلام را به خون کشیدند، تنها در ایران، بلکه در جای دیگر هم ملاحظه می‌کنید. اینجا هم بیب‌های آمریکاست که بر سر ما می‌ریزند»

رئیس دادگاه در بخشی از کیفرخواست یادآور شد که

امیر انتظام در مقام نماینده‌گی دولت موقت به ملت، رهبرانقلاب و انقلاب خیانت کرده است.

آیت‌الله محمدی گیلانی سپس موارد اتهام عیاس امیرانتظام را اعلام کرد. این موارد عبارتند از: ارتباط امیرانتظام با سفیر و کاردار آمریکا در ایران، ایجاد تفرقه بین ایران و کشور لیبی و جنبش فلسطین و اینکه «اوراق لایه جاسوسی نشان می‌دهد که امیرانتظام می‌کوشید بین ایران و کشور انقلابی لیبی و مسلمانان فلسطین جدائی بیندازد، یعنی رابطه ایران با لیبی و فلسطین بریده شود، ارسال ادوات و اسباب و لوازم مستشاران آمریکایی به آمریکا بعد از پیروزی انقلاب، و چه بسا در این ارتباط طغیان‌های نیز در قالب مستشار آمریکایی از

آنکه عیاس امیرانتظام در مقام دفاع از خود بر آمد. وی در آغاز از جمله گفت: «این محاکمه، محاکمه امیر انتظام نیست، بلکه محاکمه دولت موقت انقلاب است.»

پس از پایان اظهارات ستم، میرقدوسی، نماینده حقوقی دادگاه، از عیاس امیرانتظام سؤال کرد که: «چرا در این اسناد تنها از امیرانتظام و موضوع امیرانتظام نام برده شده است؟»

است طرح اولیه این قانون به نظر خواهی کارگران گذارده شود و پس از تکمیل، به مجلس شورای اسلامی ایران برای تصویب پیشنهاد شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از اجزاء اقتصاد و جمهوری را چلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری قرار داده است. برای اجرای این اصل لازم است آیینان قانون کاری تدوین شود که به کارفرمایان اجازه ندهد به استثمار و حشانه خود از نیروی کار کارگران ادامه دهند، تا در یک قطب فقر موحشی و در قطب دیگر تمرکز و تکثیر ثروت بوجود آید.

قانون انسانی برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازتستکی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، پیری، برسرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی صورت می‌گیرد و غیره را حق همگانی مردم کشور میدانند (اصل ۲۹). قانون کار جدید باید بازتابی از این اصل مهم قانون اساسی جمهوری باشد.

قانون اساسی تأمین آموزش و پرورش را یکی از مسکن مناسب، بهداشت، خوراک و پوشاک را از نیازهای اساسی مردم میدانند و آراء از جمله ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران می‌شناسند. قانون کار جدید باید چنان تدوین شود که بازتاب تأمین این حقوق برای طبقه کارگر باشد.

قانون اساسی تأکید میکند که مشکل و محتوای برنامه اقتصادی کشور و مسلمات کار باید چنان تنظیم شود که هر فرد علاوه بر تلاش فکری، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی داشته باشد. قانون کار جدید باید روح این ماده‌ها را در خود حلول دهد و کار هفتگی ۴۴ ساعته را برای کارگران برسمیت بشناسد و ساعات کار کارگرانی را که یکارهای سخت اشتغال دارند، کمتر از ساعات قانونی تعیین کند.

قانون اساسی بر رعایت حقوق همجانبه افراد، اعم از زن و مرد، تکیه دارد و بر استیغای حقوق زنان، که ستم بیشتری از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، تأکید میکند. قانون کار جدید باید به تبعیض میان زن و زحمتکش و مرد زحمتکش در همه زمینه‌ها پایان دهد. مستزاد بر این زنان راضی‌نم کند و برای مادران زحمتکش شبکه خدمات و از جمله فضاخوریها و مهدکودک‌ها را ایجاد کند و گسترش دهد.

توقع طبقه کارگر، که ستون فقرات پیروزی انقلاب بوده است، آنست که قانون کار جدید، منشور دفاع از خواسته‌های او در برابر هندی سرمایه باشد. و این توقع بیجااست.

قانون کار جدید...

پتیه از صفحه ۱

نم مادی جامعه را با نام صلهه تحقیر کند. نخستین قانون کار، به برکت وجود حزب توده ایران و مبارزه بی‌پیکر و مدبرانه آن تصویب رسید که سرآغاز شناسایی رسمی کارگران و رعایت‌بهارهای از حقوق آنان بود. هیچکس نمی‌تواند مدعی آن باشد که قانون کار سال ۱۳۳۵ با زتاب همجانبه خواسته‌های کارگران بود. این قانون کمبودها و نقائص جدی داشت؛ ولی هرچه بود، نخستین مستأورد می‌آزادگی طبقه کارگر و تحمیل شناسایی خود به هیئت حاکمه مرجعی بود که از کارگر، حتی از مترقی آن، هراس داشت، تا چهارصد به متحد آن.

وجود یک نظام وابسته ضد خلقی موجب شد که نخستین قانون کار، بجای آنکه پراه فنا و کمال گام بردارد، به عقب رجعت کند. حکومت طاغوت بسیاری از موادی را که بسود کارگران بود، یا نادیده انگاشت و یا آنها را تفسیر داد. متأسفانه، قانون کار طاغوتی هنوز بر سر نوشت کارگران حاکم است. هنوز ماده ۳۳ آن، که حق اخراج کارگر را در کم کارفرما نهد، چون اجل ملق بر سر کارگران فرود می‌آید، هنوز حداقل دستمزد، نه منطبق با موازین عدالت است و نه از سوی کارفرمایان رعایت میشود. هنوز برای دستمزد زنان با مردان بر روی کاغذ اجرا مانده و دهها هزار کودک به سن تحصیل، نیروی کار خود را به نمن بعضی می‌فروشند؛ هنوز اکثریت ظنی از کارگران، که در کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر شاغلند، مشمول قانون کار و بیمه‌های اجتماعی نیستند؛ هنوز مقررات ایمنی کار در کارخانه‌ها رعایت نمی‌شود و هر روز سانحه و حادثه‌ای رسته زندگی کارگر و یا کارگرانی را میکشد. کمیته مرکزی حزب توده ایران، با توجه به موقعیت دشوار کارگران در پیام اول ماه مه خود خاطرتشان می‌سازد که:

«اجرای قانون ۴۴ ساعت کار در هفت روز، هم‌چا، پرداخت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، اعتد قراردادهای مستحسبی کار، طبقه بندی مشاغل، تعیین کردن کارگودکان، بهبود شرایط کار زنان و نوجوانان، بلژیروسی و نظارت بر بهداشت و ایمنی در محیط‌های کار، یه بیکاری و تأمین اجتماعی، بهداشت و آموزش را بگان و تأمین مسکن و توسعه تعاونیهای کارگری، از خواسته‌های مردم رفاهی طبقه کارگر و همه زحمتکشان است.»

خوشبختانه تدوین قانون کار جدید در برنامه کار وزارت کار و امور اجتماعی قرار داد. قرار

تلفات سنگین حمله گسترده اسرائیل به جنوب لبنان

هوایماهای اسرائیلی در روز دوشنبه، ۷ اردیبهشت ماه حملات گسترده خود را به شهرهای تیر، صیدا، نبطیه و دیگر نواحی جنوب لبنان، ادامه دادند. خیرگزارها گزارش دادند که تن آنجا مید.

آدم‌ریایی سیاسی در ناپل

چند ناشناس در ناپل (ایتالیا) راه، ربودند. چیرو چریلو، یکی از رهبران برجسته حزب دمکرات مسیحی راننده، و یسکی از محافظان

جسد سه سیاهپوست دیگر در آتلانتا پیدا شد

پلیس آتلانتا (جورجیا) جسد جوان سیاهپوستی را، که در شب دوشنبه، ۶ اردیبهشت در رودخانه‌ای پیدا شده بود، شناسایی کرد. نام او جیمی ریچین است، که ۲۱ سال داشت و ساکن یکی از فقیرترین قریه‌های سیاهپوست‌تئین اطراف آتلانتا بود. یگزارش پلیس، جیمی ریچین بیست و ششمین قربانی نژادپرستان در آتلانتا است.

در این میان، جسد دو سیاهپوست دیگر نیز کشف شده است. تاکنون پلیس تنها به برشماری جسد‌های قربانیان نژادپرستان آتلانتا اکتفا کرده و گام موثری برای جلوگیری از این جنایات و مجازات جنایتکاران برداشته است.

نام مردم

از گمان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
موجر بیزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم»
هتوز در اختیار
«نامه مردم نیست»
چاپ: کاویان)

NAMEH MARDOM
No. 499
29 April 1961

Price:
West-Germany
0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی می‌توانند به آدرس زیر یا «نامه مردم» مکاتبه کنند.
صندوق پستی
۱۳۱/۳۵۸۱ منطقه
۱۴ پستی تهران

